

## انگیزه و رضایتمندی مشارکت‌کنندگان در انقلاب اسلامی

فریبا شایگان\*

### چکیده

بررسی انگیزه کسانی که در فعالیت‌های انقلابی سال‌های ۱۳۵۶-۵۷ مشارکت داشتند و رضایت فعلی آنان از وقوع انقلاب، در قالب تحقیقی صورت گرفت که مقاله حاضر، ماحصل آن است. نتایج تحقیق که به روش پیمایشی با ۵۰۰ نمونه از افراد ۴۵ سال به بالا که به روش سهمیه‌ای انتخاب شده بودند، صورت گرفت نشان داد که انگیزه ۴۲٪ مشارکت‌کنندگان در انقلاب، حفظ ارزش‌های اسلامی، ۲۰٪ نارضایتی از رژیم شاه و ۷/۳٪ دستیابی به وضع اقتصادی بهتر بوده است. ۳۸٪ پاسخ‌گویان معتقدند اهداف سیاسی انقلاب بیش از سایر اهداف آن تحقق یافته و ۶۲٪ از این‌که انقلاب اسلامی به‌وقوع پیوسته به میزان زیادی و ۲۰٪ در حد متوسط راضی هستند. رابطه بین میزان مذهبی‌بودن با میزان تحقق اهداف انقلاب از دید پاسخ‌گویان و رضایت آنان از وقوع انقلاب هم تأیید شد.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، تئوری‌های انقلاب، رضایت از انقلاب، انگیزه مشارکت در انقلاب، تحقق اهداف انقلاب.

Email: shayegan-fa@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۸۹/۵/۲۵

\* استادیار دانشگاه علوم انتظامی

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۲

### مقدمه

انقلاب، یکی از روش‌های خشن برای دگرگونی و ایجاد تغییر بنیادی در نظام سیاسی - اجتماعی یک جامعه است. زمانی که وضع موجود رضایت‌بخش نبوده و راه‌های مسالمت‌آمیز هم تأثیرگذار نباشند، به شرط مهیا بودن شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه، نخبگان غیرحاکم با بسیج مردمی، دست به قیام و انقلاب می‌زنند تا وضع مطلوب و دل‌خواه خود را بر جامعه حاکم کنند. نظریه‌ها و تئوری‌های زیادی در خصوص علت وقوع انقلاب و شرایطی که موجب بروز انقلاب می‌شود، وجود دارد و هر کدام از دریچه خاصی به موضوع نگاه می‌کنند. مقاله حاضر که نتیجه تحقیقی در زمینه انگیزه مشارکت در انقلاب و میزان دستیابی به اهداف آن است، به بررسی این موضوع و نیز میزان دستیابی به اهداف انقلاب از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در انقلاب می‌پردازد.

### طرح مسئله

بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از انقلاب‌های بزرگ جهانی می‌گذرد و علی‌رغم پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌های متعدد و بسیار سخت، بحمدالله، مقاوم و استوار به راه خود ادامه می‌دهد. این استقامت و پایداری برای دوست و دشمن موجب شگفتی شده و سؤالات متعددی را پیش روی اندیشمندان قرار داده که هر کدام نیاز به مطالعات عمیق و علمی دارد. از جمله این سؤالات که هر محققی را به فکر فرو می‌برد، این است که انگیزه مردمی که انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند چه بود؟ آیا به‌نظر آنها انقلاب به اهداف خود رسیده است و چه میزان از اقدامی که قریب به ۳۰ سال پیش انجام داده‌اند، راضی هستند که هنوز این چنین مصمم، پشتیبان و حامی انقلاب اسلامی بوده و از آن محافظت می‌کنند؟

اگر به نظریه‌های انقلاب نظری بیفکنیم، هر کدام انگیزه خاصی برای مشارکت‌کنندگان در انقلاب در نظر می‌گیرند؛ مثلاً هانتینگتون، انگیزه مشارکت‌کنندگان در انقلاب را توسعه

سیاسی کشورشان می‌داند. نظریات مارکسیستی، انگیزه مردم را منافع اقتصادی و دفع استثمار و بی‌عدالتی اقتصادی دانسته و جانسون، هماهنگی بین ارزش‌ها و محیط را هدف انقلابیون می‌داند. در بررسی‌های نظری در خصوص انقلاب اسلامی نیز، علاوه بر نظریات متداول که وجود داشته، برخی هم انگیزه انقلابیون را احیا و حفظ ارزش‌های دینی - اسلامی می‌دانسته‌اند. اگر چه مباحث نظری قابل توجهی در این زمینه وجود دارد، ولی تحقیق علمی هم از کسانی که در زمان انقلاب زندگی می‌کرده‌اند و در عمل مشارکت یا عدم مشارکت در فعالیت‌های انقلابی داشته‌اند، صورت نگرفته است. همچنین در خصوص نظر مردم در مورد میزان دستیابی انقلاب به اهدافش و میزان رضایتمندی از وقوع انقلاب نیز، تحقیق مطرحی صورت نپذیرفته است. مقاله حاضر که نتیجه تحقیقی در همین راستاست، با هدف پرکردن بخش کوچکی از این خلأ علمی - تحقیقاتی به سراغ تعدادی از کسانی رفته است که زمان انقلاب را درک کرده‌اند و به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات بوده است که انگیزه آنان از مشارکت در فعالیت‌های انقلابی (یا عدم مشارکت) چه بوده؟ به نظر آنان انقلاب اسلامی به چه میزان و به کدامیک از اهداف خود دست یافته است و در نهایت به چه میزان از وقوع انقلاب اسلامی رضایتمند هستند؟

### تحقیقات پیشین

اگر چه کتب زیادی در خصوص علل وقوع انقلاب اسلامی ایران تألیف شده، ولی تحقیقات زیادی در این زمینه صورت نگرفته است. از جمله کارهایی که پیرامون انگیزه مردم از شرکت در انقلاب انجام شده، تحقیق «دکتر پناهی» است که برای بررسی اهداف و ایده‌آل‌های انقلاب و نشان دادن انگیزه مردم از انقلاب، به تحلیل ۵۲۰ شعار دوران انقلاب پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که ۳۵/۴٪ این شعارها، هدف انقلاب را سیاسی، ۴۹٪ فرهنگی، ۵/۳٪ ایده‌آل‌های اقتصادی و ۱۰٪ بقیه به سایر موارد اشاره دارند. این تحقیق نشان می‌دهد که از اهداف مهم سیاسی، بیشترین فراوانی به ارزش آزادی و مشارکت سیاسی با ۲۶/۴٪ و سپس تثبیت نظام جمهوری اسلامی با ۲۱/۵٪ اختصاص دارد و از بین اهداف و ارزش‌های فرهنگی،

ارزش شهادت و فداکاری با ۴۱/۲٪ درصد در رأس و سپس اسلام و اهمیتش با ۳۱٪ در مرتبه دوم قرار دارد. در پایان، پناهی نتیجه می‌گیرد که طبق نظر «اسلمسر»، انگیزه مشارکت‌کنندگان در انقلاب اسلامی ایران، ارزشی، یعنی تلاش جمعی برای احیاء، بازگشت یا خلق ارزش‌های اسلامی است. (Panahi, An Introduction to the Islamic...)

در تحقیق دیگری، «شایگان» به بررسی اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی + پرداخته است. در این تحقیق که با استفاده از تحلیل محتوای سخنان امام خمینی + در صحیفه نور صورت گرفته، با نمونه‌گیری از مجلدات ۲ تا ۱۵ (مهر ۱۳۵۶ تا شهریور ۱۳۶۰)، جمعاً ۷۷۴ جمله از امام خمینی + استخراج و تجزیه و تحلیل شده است؛ نتیجه نشان می‌دهد که مهم‌ترین اهداف انقلاب از دید امام، ابتدا فرهنگی (حفظ و احیای اسلام) با ۳۷/۶٪ و سپس با کمی تفاوت، اهداف و ارزش‌های سیاسی با ۳۷٪ است. اهداف اقتصادی انقلاب ۶/۳٪ را به خود اختصاص داده است. (شایگان، بررسی اهداف، ایده‌آل‌ها و...)

### مبانی نظری

#### الف) نظریه‌های مربوط به علل وقوع انقلاب

علل وقوع انقلاب از دیدگاه جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان انقلاب متفاوت است. از دیرباز، هدف سیاسی، مهم‌ترین هدف انقلاب ذکر شده و ارسطو هم چهار هدف برای انقلاب برمی‌شمارد که از نظر او دو مورد آن، یعنی تغییر حکومت و تغییر رهبران حکومتی بدون تغییر شکل اولیه حکومت، مهم‌تر هستند. (ملکوتیان، سیری در نظریه‌های انقلاب: ۲۹) «کارل مارکس»،<sup>۱</sup> انقلاب را نتیجه تضاد طبقاتی می‌دانست و از دیدگاه او عامل تعیین‌کننده در تشکیل جامعه سیاسی، تمایز طبقاتی است. (کوهن، تئوری‌های انقلاب: ۶۹)

«ماکس وبر» از دید رهبری کاریزما، به انقلاب و بسیج مردم توجه می‌کند. منشأ جنبش کاریزما از نظر وبر، پیدایش خلاً معنایی است که در نتیجه عدم کفایت سنت‌ها و نظام فکری مستقر برای تبیین تحولات نو ایجاد می‌شود. (بشیریه، انقلاب و بسیج سیاسی: ۵۹ و ۶۰)

۱. Karel Marx.

«هانتینگتون»<sup>۱</sup> نیز به اهداف سیاسی برای وقوع انقلاب تأکید دارد. او معتقد است که کشورهای جهان سوم، تحت فشار بین‌المللی مجبور به نوسازی می‌شوند. برای این کار، ابتدا اندکی نوسازی در زمینه سیاست انجام می‌دهند، مثل نوسازی و تقویت ارتش، سپس به نوسازی اقتصادی و آموزشی که خود موجب ایجاد قشرهای جدید اجتماعی-سیاسی می‌شود، می‌پردازند؛ این قشرها تقاضای مشارکت سیاسی دارند که به دلیل نبود نهادمندسازی ساختارهای مشارکت سیاسی، با عدم آن مواجه می‌شوند و اگر اصلاحات صورت نگیرد، انقلاب رخ می‌دهد. (هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع)

تعدادی از صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان انقلاب، خصوصاً کسانی که به مطالعه انقلاب اسلامی ایران پرداخته‌اند، اهداف فرهنگی را مهم‌ترین هدف انقلاب دانسته‌اند. از جمله این افراد، «چالمرزجانسون»<sup>۲</sup> است که نظریه کارکردگرایانه در مورد انقلاب دارد و منابع تغییر و دگرگونی در جامعه را چهار مورد تغییر ارزش‌ها از بیرون، تغییر ارزش‌ها از درون، تغییر محیط از بیرون و تغییر محیط از دورن می‌داند. (کوهن، همان: ۱۳۴ و ۱۲۹، panahi)

«اسملسر»<sup>۳</sup> انقلاب را نتیجه نوسازی و گسترش تقسیم کار و تنوع ساختاری می‌داند که موجب اختلال در همبستگی اجتماعی می‌شود. او جنبش‌های اجتماعی را دو گونه می‌داند: جنبش‌های اجتماعی معطوف به هنجار که کوشش جمعی برای دگرگون‌ساختن قواعد و هنجارهای مستقر است و جنبش‌های اجتماعی معطوف به ارزش که خواهان تغییرات درازمدت و بنیادی در نگرش‌ها و ارزش‌ها هستند؛ انقلاب‌های مذهبی از این دو نوع جنبش‌ها هستند. وی نهضت ارزشی را، تلاش جمعی در جهت برقرار کردن مجدد، تقویت، اصلاح یا آفرینش ارزش‌ها تحت عنوان یک عقیده تعمیم‌یافته می‌داند. (Smelsser, Theory of Collective: ۱۳۱)

به نظر «جیمز دیویس»<sup>۴</sup>، انقلاب در زمانی احتمال وقوع پیدا می‌کند که پس از دوران

۱. Hantington.

۲. Janson.

۳. Smelsser.

۴. J.Davies.

بلندی توسعه اقتصادی و اجتماعی، دوران کوتاهی از بحران به وجود می‌آید. دیویس معتقد است که فقر یا رفاه یک دست و مدام، موجد رفتار و شرایط انقلابی نیست، بلکه وضعیت فکری ناشی از افزایش پیوسته توقعات در شرایط کاهش امکان برآورد آنهاست که فرد را ناخرسند و احتمالاً انقلابی می‌سازد. (بشیریه، همان: ۶۳)

«یزنشتات»، در تحلیل انقلاب، علاوه بر فشارهای بین‌المللی و ساختار نخبگان و اهداف و ساختار دولت، به جهت‌دهنده‌های فرهنگی (Cultural Oriented) هم توجه می‌کند. او معتقد است اگر تغییرات آرام در جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - مذهبی رخ دهد، انقلاب صورت نمی‌گیرد، ولی اگر این تغییرات با یکدیگر ترکیب شوند انقلاب رخ می‌دهد. «رابرت لویی»، علت وقوع انقلاب را اقتصادی دانسته و می‌نویسد:

رژیم به استراتژی‌های توسعه، رابطه هدف و برنامه و مشکلات ناشی از تورم توجه نمی‌کرد و برنامه رشد فراگیر و یک‌پارچه بحران را به وجود آورد که به توزیع نابرابر درآمدها و نارضایتی عمومی انجامید. (Skopol, Rentier State Sh'a Islam...)

همچنین اگر سطح بالایی از تنش بین نظم این جهانی و ماورایی وجود داشته باشد، انقلاب رخ می‌دهد. (Goldstone, Theories of Revolution...)

«تد رابرت گر»، علل ایجاد انقلاب را محرومیت نسبی، یعنی اختلاف بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی می‌داند. (گر، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند: ۶۹) یکی از عواملی که به نظر گر، موجب شدت محرومیت نسبی می‌شود، اهمیت ارزش‌ها برای افراد است. او می‌گوید:

هرچه مردم انگیزه بیشتری نسبت به هدفی داشته باشند یا خود را بیشتر نسبت به حفظ سطح محصلی از ارزش‌ها متعهد بدانند، شدیدتر از دیگران از اختلال در آن رنجیده‌خاطر می‌شوند و بیش‌تر از دیگران انگیزه خشونت می‌یابند. (همان: ۱۲۲)

همچنین می‌نویسد:

نظریه‌های خشونت سیاسی به‌طور کلی، چنین مفروض می‌دارند که انقلاب،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

زمانی به‌وقوع می‌پیوندد که مهم‌ترین و بنیادی‌ترین ارزش‌های انسان‌ها در معرض تهدید قرار گیرد. (همان: ۱۳۳)

«اسپوزیتو»، علت انقلاب را دل‌مشغولی‌های مشترک تمام مردم و روشنفکران در فقدان مشارکت سیاسی، از بین رفتن استقلال ملی و نبود هویت فرهنگی - مذهبی در جامعه‌ای می‌داند که به‌طور فزاینده‌ای رو به سمت غربی‌شدن می‌رفت. (اسپوزیتو، انقلاب ایران: ۵۷)

علاوه بر نظرات کلی انقلاب، نظریه‌پردازانی هم به بحث پیرامون علت وقوع انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، از جمله «حامد الگار» علت انقلاب اسلامی را در ویژگی‌های مذهبی و دینی مردم جستجو کرده است و با وصل ریشه‌های انقلاب به اصول مذهب شیعه و اعتقاد به امامت، شهادت، اجتهاد و ...، نظام‌های غیردینی را نامشروع و سیاست ضددینی شاه را عامل اصلی برانگیختن مردم می‌داند. (پناهی، بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران: ...: ۷۱)

دوانی می‌گوید:

علت سقوط رژیم شاه را باید بیش از هر چیز، در جدایی آن از اسلام و بی‌توجهی به شعائر دینی از یک‌سو و قدرت روحانیون در بسیج مردم بر مبنای شعارهای اسلامی از سوی دیگر جستجو کرد. (دوانی، نهضت روحانیون ایران)

«سعید امیر ارجمند»، ویژگی تعیین‌کننده انقلاب را ارزشی‌بودن آن دانسته و می‌گوید:

برای درک انقلاب باید به دو عامل اساسی ساختار مرجعیت شیعه و تأثیر دولت مدرن بر جامعه ایران توجه کرد. (Arjomand, Irans Islamic Revolution)

«هنری لطیف‌پور»، با استفاده از نظر وبر در خصوص رابطه ذهن و رفتار معتقد است که برای فهمیدن رفتار انسان‌ها باید به عالم اعتبارات و ارزش‌های آنها وارد شویم؛ پس در مطالعه اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز می‌توان با استناد به ارزش‌ها و جهان‌بینی مردم و رهبر انقلاب که نشأت‌گرفته از اسلام شیعی و قیام خونین امام حسین \* بوده، هدف انقلاب را احیای اسلامی و ارزش‌های اسلامی و برقراری حکومت اسلامی دانست و این در شعارها و

خواست‌های مردم و در اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام به وضوح آشکار بود. (هنری لطیف‌پور، فرهنگ سیاسی شیعه: ۳۳ - ۳۷)

«منوچهر محمدی» در کتاب «تحلیلی بر انقلاب اسلامی» به عوامل متعددی در پیروزی انقلاب از جمله عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی اشاره می‌کند و معتقد است که علت اصلی و اساسی قیام مردم، این بود که شاه نسبت به نابودی ارزش‌های مسلط جامعه که از مذهب و آیین آنها سرچشمه گرفته بود، قیام کرد و به همین دلیل بود که با جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی امت مسلمان ایران، دیگر جایی برای صبر و تحمل و شکیبایی در مقابل سایر نامالیقات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی وجود نداشت. (محمدی، تحلیلی بر انقلاب اسلامی: ۱۰۳) لذا، محمدی نیز، هدف انقلاب را احیای ارزش‌های اسلامی و اجرای احکام آن در جامعه می‌داند.

«نیک‌کدی» به جای تبیین تک‌علتی، تبیین چندعلتی از انقلاب اسلامی ارائه داده است و به علل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در تبیین انقلاب اسلامی اشاره دارد. او ترکیبی از تورم، کمبودها و توزیع نابرابر آشکار درآمد و نیز از خودبیگانگی فرهنگی را که در اواخر سال ۱۹۷۹ اتفاق افتاد، در وقوع انقلاب مهم می‌داند. (پناهی، همان: ۷۱)

کدی، انقلاب اسلامی ایران را در واقع احیاگر مجدد اسلام می‌داند و در ردیف جنبش‌های احیاگر اسلامی معاصر به‌شمار می‌آورد. (روزن، انقلاب ایران: ۴۵)

«هالییدی» هم دیدگاه چند عاملی دارد و پنج علت اصلی را برای وقوع انقلاب اسلامی برمی‌شمارد که عبارتند از: توسعه ناهماهنگ و سریع اقتصادی، ضعف سیاسی رژیم شاهنشاهی، ائتلاف گسترده نیروهای مخالف، سهم اسلام در بسیج نیروها و زمینه متغیر و نامعلوم محیط بین‌المللی. (Halliday, The Iranian Revolution...)

«هادیان» معتقد است از نظر فرهنگی، ترغیب، تشویق و شیوع آرمان‌ها و عقاید غربی، منجر به گسترش نابسامانی، جاکنی فرهنگی (Cultural Dislocation)، از خودبیگانگی و خدشه‌دار شدن هویت ملی می‌شود. تمایل به بازیابی و بازپس‌گیری شخصیت و هویت ملی در



ایرانیان، به مبارزه دامنه‌داری علیه رژیم‌های که متضمن ارزش‌ها، علایق و نفوذ خارجی بود، تبدیل شد. (هادیان، نظریه تدا اسکاچپول: ۲۱)

«آبراهامیان» معتقد است که انقلاب اسلامی به این علت رخ داد که شاه در سطح اجتماعی-اقتصادی به نوسازی دست زد و موجب به‌وجود آمدن گروه‌های جدیدی شد که نیاز به جذب در نهادهای سیاسی داشتند، اما شاه نهادهای با دوامی ایجاد نکرد تا بتواند این گروه‌ها را در خود جذب کند (عدم توسعه سیاسی). (Abrahamian, Stratural Causes...)

«میرسپاسی» در بررسی انقلاب اسلامی ایران به برنامه نوسازی توسط شاه و عدم موفقیت در تحقق وعده‌هایی که به مردم داده بود اشاره کرده، می‌گوید:

اگرچه روشنفکران و دیگر قشرهای جامعه با انگیزه‌های متفاوت در مبارزه شرکت جستند، اما همگی در نتیجه این امر، یعنی طرد برنامه نوسازی و ارج نهادن به فرهنگ سنتی و مردمی ایران اشتراک نظر داشتند. (میرسپاسی، بحران سیاست غیر دینی: ۱۱۸)

«دیوید جرجانی»، ریشه انقلاب اسلامی را در موقعیت ایران در اقتصاد جهانی، به‌خصوص وابستگی آن به آمریکا می‌داند و می‌گوید: فشارهای اقتصادی جهانی و مبارزه طبقاتی داخلی، موجب عدم مشروعیت نظامی - سیاسی و سرانجام قیام مردم شد. (جرجانی، انقلاب در شبه پیرامون: ۱۶۶)

«میتاق پارسا» که به‌طور ضمنی، علت انقلاب اسلامی را دخالت دولت در تخصیص و انباشت سرمایه و توزیع نابرابر درآمد می‌داند، هدف انقلاب را ایجاد برابری و عدالت اجتماعی برمی‌شمرد. (پارسا، توسعه اقتصادی و دگرگونی سیاسی)

#### ب) نظریه‌های مربوط به نتایج انقلاب

آثار و نتایج انقلاب، بسیار کمتر از علل و شرایط آن مورد بررسی علمی قرار گرفته است. یکی از علل این امر آن است که یافتن معیارهای عینی برای ارزیابی نتایج یک انقلاب، دشوار و شاید ناممکن است و دلیل دیگر، این که تحولاتی که از جمله نتایج درازمدت انقلابات قلمداد

می‌شود، رابطه مستقیمی با انقلاب ندارند و در جوامع دیگری نیز که شاهد انقلاب نبوده‌اند، همان تحولات به‌وقوع پیوسته‌اند. (بشیریه، همان: ۱۴۳)

معمولاً در نظریه انقلاب‌های رادیکال، بیش از انقلاب‌های میانه‌رو و در انقلاب‌های چپ‌گرا، بیش از انقلاب‌های راست‌گرا دگرگونی به‌وجود می‌آورند. برخی نویسندگان از آنجا که انقلاب‌ها را پدیده‌های اجتماعی نمی‌شمارند، اصولاً نتایج مثبتی برای آنان قائل نیستند. در نگرش اخلاقی نسبت به انقلاب، هم دارای چهره‌ای باشکوه، انسانی و تاریخ‌ساز است و هم چهره‌ای خشن، پیش‌بینی ناپذیر و مصیبت‌بار دارد. محافظه‌کاران، اغلب بر چهره دوم انقلاب تأکید دارند و آن را یک‌سره ویران‌گر و تباہ‌کننده می‌دانند. «ادمون برگ» معتقد است انقلاب می‌کوشد تعصبات دیرینه جامعه را از میان بردارد و به همین دلیل به بیکر جامعه زبانی هنگفت می‌رساند؛ علاوه بر این، آزادی‌ها و حقوق جافتاده جامعه که مبتنی بر این تعصبات است را هم از بین می‌برد و خصوصاً در زمان حکومت تندروها در مرحله هراس، انقلاب برای هماهنگ کردن جامعه با آرمان‌های انتزاعی، فاجعه‌بار خواهد بود. (همان: ۱۴۵)

برخی هم دیدگاهی تراژیک نسبت به انقلاب دارند. در دیدگاه تراژیک، انقلاب بر طبق نیات و خواست انقلابیون پیش نمی‌رود؛ زیرا در تعیین نتیجه، جز نیت بازیگران، عوامل پیچیده بسیاری دخالت دارند. «هانا آرنه» با این دیدگاه به انقلاب می‌نگرد. به عقیده او، انقلاب به‌معنای واقعی کلمه، کوششی است برای دست‌یافتن به آزادی، اما اغلب درست در رسیدن به این هدف با شکست مواجه می‌شود. (همان)

«آرنه» دو نوع آزادی مثبت و منفی را تعریف می‌کند که آزادی مثبت در حق انتخاب آگاهانه و استقلال فکری و اخلاقی فرد تحقق می‌یابد و با مشارکت سیاسی مردم بالا می‌رود و این هدف انقلاب‌هاست، اما آزادی منفی، رهایی فرد از قید و بند و عدم وجود موانع بر سر راه بیان آزاد خواسته‌ها و نیازهای اوست. آرنه معتقد است که انقلاب نمی‌تواند به آزادی مثبت دست یابد؛ چون در بین راه، مسایل اجتماعی از جمله فقر مردم و نیازهای آنها، مسیر انقلاب را از رسیدن به‌هدف اصلی منحرف می‌کند و این شکست تراژدی بزرگ انقلابات است. (همان: ۱۴۸)

در کل، موافقین انقلاب و طرفداران آن، نتایج انقلاب را مثبت دیده و آن را یک‌سره

تاریخ‌ساز و پیشرو قلمداد کرده و آن‌را موجب توسعه در جامعه، تغییر روابط بین‌المللی و حرکت سریع جامعه به سمت پیشرفت می‌دانند.

برخی از صاحب‌نظران هم به هر دو جنبه مثبت و منفی انقلاب تأکید دارند؛ مثل «توکویل» که هر دو جنبه انقلاب فرانسه را در نظر می‌گیرد و یا «والنز لاکوئر» که دستاوردهای مثبت و منفی انقلابات را به صورتی متوازن در کنار یکدیگر ارزیابی کرده است. او انقلاب را دارای نتایج سیاسی، اجتماعی و گاه اقتصادی و فرهنگی درازمدت می‌بیند و انقلاب را موتور تاریخ می‌داند. در عین حال، در بسیاری از موارد نیز به بی‌حاصلی انقلاب یا بدبختی‌های غیرضروری حاصل از انقلاب اشاره دارد و می‌نویسد: «بزرگترین جنایات در تاریخ به نام انقلاب انجام شده است». (همان: ۱۵۹)

«بشیریه»، نتایج کوتاه‌مدت انقلاب را دیکتاتوری می‌داند؛ زیرا برای تثبیت قدرت، لازم است و نتیجه بلندمدت آن را توسعه می‌شمارد. همچنین، تأثیر انقلاب را در تغییر موازنه قدرت در جهان و تغییر روابط بین‌المللی موثر می‌داند. (همان)

«برینتون» می‌گوید:

انقلاب‌ها از نظر سیاسی، به وخیم‌ترین ناهنجاری‌ها و ناکارآمدی‌های رژیم پیشین پایان می‌دهند. همه انقلاب‌ها به نام آزادی برپا شده‌اند، ولی بیشتر، کارایی حکومت را بالا می‌برند تا دادن آزادی به مردم. (برینتون، کالبد شکافی چهار انقلاب: ۲۷۹ و ۲۸۱)

### جمع‌بندی نظری

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که برای بررسی انگیزه مشارکت‌کنندگان، باید از دیدگاه‌های مربوط به علت وقوع انقلاب استفاده کرد؛ چون به‌نحوی علت وقوع انقلاب، به انگیزه مشارکت‌کنندگان هم باز می‌گردد؛ لذا، تئوری‌های مختلف، از دیدگاه‌های متفاوتی به علت انقلاب نگریسته‌اند. «هانتینگتون»، عدم تناسب نوسازی اقتصادی و سیاسی؛ «جانسون»، عدم توازن ارزش‌ها و محیط و تغییر یکی بدون تغییر دیگری؛ «اسلمسر»، اختلال همبستگی

که نتیجه نوسازی و تنوع ساختاری است؛ «ایزنشات» به فشارهای بین‌المللی و سرعت تغییرات فرهنگی و «گر»، محرومیت نسبی را علل انقلاب می‌دانند. درخصوص انقلاب اسلامی ایران نیز نظرات متفاوتی وجود دارد و برخی علت را در ویژگی مذهبی مردم جستجو می‌کنند، برخی به برنامه نوسازی شاه اشاره دارند و عده زیادی هم به بحث تهدید ارزش‌های دینی در این زمینه پرداخته‌اند.

درخصوص آثار و نتایج انقلاب و دستیابی به اهداف آن هم، برخی انقلاب را کاملاً منفی و نتایج آن را هم زیان‌بار دانسته و برخی نتایج آن را مثبت می‌دانند. عده‌ای نیز به هر دو جنبه مثبت و منفی انقلاب توجه کرده‌اند. در کل می‌توان گفت که موافقین انقلاب و انقلابیون، بیشتر جنبه‌های مثبت انقلاب را می‌بینند و میزان دستیابی به نتایج را بالا می‌بینند و مخالفان انقلاب، نتایج انقلاب را کاملاً منفی و میزان دستیابی به اهداف را بسیار پایین ارزیابی می‌کنند.

همچنین از دیدگاه «بریتون»، نتایج سیاسی انقلاب، بیشتر از نتایج اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن است. بر این اساس و با توجه به اسلامی‌بودن انقلاب ایران، این فرضیات مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. با توجه به اسلامی‌بودن انقلاب، انگیزه بیشتر مشارکت‌کنندگان در انقلاب، حفظ ارزش‌های دینی بوده است.
۲. احتمالاً از دید مشارکت‌کنندگان در انقلاب، اهداف سیاسی انقلاب، بیشتر از سایر اهداف تحقق یافته است.
۳. بین میزان مشارکت افراد در انقلاب و نظر آنها در مورد تحقق اهداف انقلاب، رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان مذهبی‌بودن پاسخ‌گویان و نظر آنها در مورد تحقق اهداف، رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان مشارکت افراد در انقلاب و رضایت آنها در حال حاضر از وقوع انقلاب،

رابطه وجود دارد.

۶. بین میزان مذهبی‌بودن افراد و رضایت آنها از وقوع انقلاب، رابطه وجود دارد.

### تعریف مفاهیم

مشارکت در انقلاب: «آلن بیرو»، مشارکت را به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن تعریف کرده است. (بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی: ۲۵۷)

«آرنستاین»<sup>۱</sup> مشارکت را نوعی توزیع مجدد قدرت قلمداد می‌کند که به سبب آن، شهروندانی که از فرآیند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند را قادر می‌سازد تا به تدریج در این فرآیند شرکت داده شوند.

در این مقاله، مشارکت در انقلاب مدنظر است که در برخی منابع، تحت عنوان بسیج از آن یاد می‌شود. نکته قابل ذکر، تفاوت بین انواع مشارکت است. «آلن بیرو»، بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن)، تمییز قائل شده و مشارکت در معنای اول را داشتن شرکتی فعالانه در گروه می‌داند که به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم، از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد. (همان)

مشارکت در این تحقیق، شامل فعالیت‌هایی چون شرکت در راهپیمایی‌های زمان انقلاب، شعار دادن در پشت‌بام‌ها، نوشتن شعار روی دیوار، توزیع اطلاعیه و کمک مالی به انقلاب و انقلابیون و مشارکت بیشتر با اقدام مسلحانه علیه رژیم است.

انگیزه مشارکت در انقلاب: انگیزه (Motive)، عامل یا محرکی است که موجبات بروز عملی آگاهانه و با هدف قبلی را فراهم می‌کند. (ساروخانی، دایرةالمعارف علوم اجتماعی: ۴۶۸)

انگیزه، فرآیندی است که از طریق آن، یک عامل آگاه برای اقدام به عملی ارادی و یا

۱. Arneestsin.

تصمیم قبلی، دلایلی می‌یابد. اساس هر عمل آزادانه و ارادی را انگیزشی کم‌وبیش آگاهانه تشکیل می‌دهد و در واقع، مجموعه انگیزه‌ها، همچون دلایلی هستند که انجام عمل را موجب می‌شوند. (بیرو، همان: ۲۳۴)

در این تحقیق، انگیزه افراد از مشارکت در فعالیت‌های انقلابی به صورت سؤال باز، از پاسخ‌گویان پرسیده شده است. همچنین انواع اهداف انقلاب اعم از اهداف سیاسی (که برچیده‌شدن نظام شاهنشاهی و روی کار آمدن یک نظام سیاسی دیگر)، اهداف اقتصادی (بهبود وضع اقتصادی مردم و از بین رفتن فقر)، اهداف اجتماعی (مثل آزادی و عدالت اجتماعی) و اهداف فرهنگی (از بین رفتن بی‌بندوباری و رواج ارزش‌های اسلامی در جامعه)، سؤال شده و نظر پاسخ‌گویان در مورد این که کدام اهداف بیشتر محقق شده، اخذ شده است. **میزان مذهبی بودن:** عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام، در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه انسان با او دور می‌زند، سامان می‌یابد. (طالبان، تعهد مذهبی: ۱۰)

از آنجا که هدف تحقیق، میزان مذهبی بودن پاسخ‌گویان در زمان انقلاب بود، بالاجبار از روش ذهنی برای سنجش میزان مذهبی بودن استفاده شد. در روش ذهنی از افراد خواسته می‌شود که میزان مذهبی بودن خود را تعیین کنند. (کوهن، مبانی جامعه‌شناسی: ۲۴۰) لذا با یک سؤال که خود را در زمان انقلاب به چه میزان مذهبی می‌دانستید، این متغیر سنجش شد.

**رضایت از وقوع انقلاب:** رضایت، حالت عاطفی لذت‌بخشی است که برای فرد به سبب عمل و اقدامی که انجام داده حاصل می‌شود. (معیدفر و ذهنی، بررسی میزان نارضایتی: ۱۳۸) در این تحقیق، رضایت پاسخ‌گویان از وقوع انقلاب اسلامی با سؤال از آنان در این زمینه بررسی شد.

### روش تحقیق، جامعه آماری و حجم نمونه

این تحقیق به روش پیمایشی و با پرکردن پرسش‌نامه صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق، زنان و مردان متولد سال ۱۳۴۲ و قبل از آن در کل کشور می‌باشد؛ زیرا برای پاسخ به سؤالات این تحقیق، باید به افرادی مراجعه می‌شد که در زمان فعالیت‌های انقلابی، یعنی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، در سنینی بوده‌اند که توان مشارکت آگاهانه در فعالیت‌های انقلابی را داشته‌اند، لذا در این تحقیق، سن مشارکت حداقل ۱۵ سال در نظر گرفته شده که شامل متولدین ۱۳۴۲ و قبل از آن است. طبق آمار سرشماری ۱۳۵۵ (دو سال قبل از انقلاب)، جمعیت کل کشور، ۳۳۷۰۸۷۴۴ نفر بوده که از این تعداد، ۱۸۶۹۸۳۵۵ نفر بالاتر از سن ۱۵ سال داشته و مابقی زیر سن ۱۵ سال بوده‌اند. براساس فرمول نمونه‌گیری «کوکران»، حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد.

$$n = \frac{Nt^2 p (1-p)}{Nd^2 + t^2 p (1-p)}$$

$$n = \frac{18698355 \times (1/96)^2 \times 0.25}{18698355 \times (0.05)^2 + (1/96)^2 \times 0.25} = 384$$

از آنجا که نمونه‌گیری به دلایلی که خواهد آمد، سهمیه‌ای شد، تعداد نمونه‌ها افزایش یافت و ۵۰۰ نفر از کل شهرهای ایران به نسبت جمعیت و متناسب با ویژگی‌های در نظر گرفته شده سهمیه، انتخاب و پرسش‌نامه‌ها تکمیل شد. در نهایت، اگرچه روش سهمیه‌ای، معتبرترین روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی است، اما قابل تعمیم به کل جمعیت نیست.

از آنجا که یافتن افرادی در این گروه سنی و مراجعه به آنها دشوار بود و همچنین پاسخ صادقانه به سؤالاتی که مربوط به مشارکت در انقلاب است، نیاز به اعتماد به پرسشگر دارد، از

روش سهمیه‌ای بهره گرفته شد. البته، علاوه بر معیار سن افراد، متغیرهای جنس و میزان تحصیلات هم براساس اطلاعات آماری توزیع جمعیت بر پایه جنس و سواد سرشماری سال ۱۳۵۵، ملاک انتخاب قرار گرفت تا هرچه بیشتر جمعیت نمونه به کل جمعیت، مشابهت داشته باشد.

### اعتبار و پایایی تحقیق

برای سنجش میزان اعتبار و پایایی تحقیق، فرضیات از دل تئوری‌ها استخراج شده و مفاهیم به خوبی تعریف شده‌اند، همچنین از برخی سؤالات آزمون‌شده‌ها در تحقیقات معتبر بهره‌گیری شد. با انجام ۵۰ پرسشنامه به صورت پیش‌آزمون، سؤالات مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت و میزان «آلفای کرونباخ» سؤالات سنجیده شد که بیشتر از ۷۰٪ بود. پرسش‌گران نیز در جلسه توجیهی، کاملاً با نحوه انتخاب افراد و پرکردن پرسش‌نامه آشنا شدند. برای سنجش اکثر متغیرها هم از مقیاس‌های چندگویه‌ای بهره‌گیری شد.

### یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، از ۵۰۰ نفر پاسخ‌گو، ۴۹٪ زن و ۵۱٪ مرد بودند. از نظر سنی ۳۸٪ پاسخ‌گویان در زمان انقلاب بین ۱۵ تا ۱۹ سال سن داشته‌اند، ۳۵٪ بین ۲۰ تا ۲۹ سال، ۱۶٪ بین ۳۰ تا ۳۹ سال و ۸٪ هم بیشتر از ۴۰ سال سن داشته‌اند. از نظر تحصیلات، ۲۷٪ پاسخ‌گویان در زمان انقلاب بی‌سواد، ۱۵٪ تحصیلات ابتدایی، ۴۷٪ بین اول راهنمایی تا دیپلم و ۶٪ هم بالاتر از دیپلم بوده‌اند که فقط ۳ نفر فوق لیسانس داشته‌اند. میانگین تحصیلات پاسخ‌گویان در زمان انقلاب، دوم دبیرستان است. شغل پاسخ‌گویان در زمان انقلاب به این شرح است که ۳۷٪ خانه‌دار، ۲۵٪ کارمند، ۸/۴٪ در مشاغل فرهنگی چون معلمی و روحانی، ۸/۴٪ بازاری، ۱۳٪ مشاغل کارگری و کشاورزی، ۱/۶٪ نظامی و ۴/۴٪ در مشاغل سطح بالا چون پزشک، مهندس و کارخانه‌دار و تکنسین اشتغال داشته‌اند.



۸۳/۲٪ پاسخ‌گویان، در زمان انقلاب در شهر و ۱۳/۲٪ در روستا زندگی کرده‌اند. از ساکنین شهر، ۶۶/۸٪ در شهرهای بزرگی چون تهران، مشهد، تبریز، اصفهان و شیراز بوده‌اند. ۲۸٪ پاسخ‌گویان، خود را در زمان انقلاب جزو طبقه پایین، ۶۴٪ طبقه متوسط و ۸٪ طبقه بالا می‌دانسته‌اند. همچنین ۹/۲٪ پاسخ‌گویان، خود را در زمان انقلاب در حد کم مذهبی می‌دانسته‌اند، ۴۳/۴٪ در حد متوسط و ۴۷/۴٪ خود را به میزان زیاد مذهبی می‌دانسته‌اند. میزان و نوع مشارکت پاسخ‌گویان در انقلاب در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: درصد میزان و نوع مشارکت پاسخ‌گویان در فعالیتهای انقلابی

ردیف	نوع فعالیت	بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً
۱	شرکت در راهپیمایی‌ها	۲۶/۶	۲۴	۲۲/۸	۹/۸	۱۵/۸
۲	شعارهای شبانه الله‌اکبر در پشت‌بام‌ها	۲۳/۶	۲۵/۲	۱۹/۴	۱۳/۴	۱۷
۳	کمک مالی به هر طریقی	۲۸	۷/۸	۲۶/۶	۱۷/۶	۳۷/۴
۴	نوشتن شعار بر روی دیوارها	۳/۲	۷/۶	۱۱/۴	۱۵/۶	۵۸/۸
۵	توزیع اعلامیه یا نوار سخنرانی	۵/۶	۱۰/۶	۹/۸	۱۳/۲	۵۸
۶	شرکت در تحصن یا اعتصاب	۳/۸	۱۰	۱۴/۲	۱۲/۲	۵۵/۶
۷	کمک به کسانی که اعتصاب کرده بودند	۵/۸	۹/۸	۱۷/۶	۱۴/۲	۴۸/۶
۸	اقدام مسلحانه علیه رژیم (ساخت کوکتل مولوتف، تسخیر پادگان و ...)	۲/۶	۴/۴	۶/۴	۴/۶	۷۲/۲

جدول مذکور نشان می‌دهد که بیشترین مشارکت پاسخ‌گویان در انقلاب، در فعالیتهایی چون شرکت در راهپیمایی‌ها (۵۰/۶٪ زیاد، ۲۲/۸٪ تا حدودی) بوده است؛ مشارکت در سایر فعالیتهای کمتر صورت گرفته است، خصوصاً فعالیتهای پرخطری چون اقدام مسلحانه علیه رژیم که فقط ۷٪ به میزان زیاد و ۶/۴٪ تا حدودی و ۷۲/۲٪ اصلاً چنین فعالیتهایی را نداشته‌اند. البته، شاید دلیل کمبود این فعالیت آن است که اصولاً انقلاب اسلامی ایران، خیلی مسلحانه نبود و فقط چند روز مانده به پیروزی انقلاب، اقدامات مسلحانه، آن هم به میزان محدودی صورت گرفت.

در کل، با جمع گویه‌ها، ۵۱٪ مشارکت زیاد، ۳۳٪ متوسط و ۱۶٪ مشارکت کمی در

انقلاب داشته‌اند.

**آزمون فرضیات**

چنانچه گذشت، ۶ فرضیه در این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت که برخی توصیفی و برخی تحلیلی بودند. فرضیه اول، انگیزه مشارکت‌کنندگان در انقلاب است که با سؤال باز از پاسخ‌گویان پرسیده شد و نتیجه آن در جدول شماره ۲ ارایه شده است.

**جدول ۲: درصد و فراوانی انگیزه پاسخ‌گویان از شرکت در فعالیتهای انقلابی**

ردیف	هدف از مشارکت	فراوانی	درصد
۱	حفظ ارزش‌های اسلامی و پیاده‌شدن احکام اسلامی در جامعه	۲۲۸	۴۲
۲	نارضایتی از رژیم شاه	۱۱۰	۲۰
۳	انسجام و اتحاد ملی و همراهی با مردم	۸۸	۱۵
۴	رسیدن به وضعیت اقتصادی بهتر و عدالت اجتماعی	۴۲	۷/۳
۵	پیروی از امام خمینی +	۶۱	۱۱
۶	کسب استقلال کشور	۲۶	۴/۵
۷	رسیدن به وضع مطلوب و آرامش	۳۱	۵/۳
۸	جمع کل	۵۸۶	—

چنانچه جدول مذکور نشان می‌دهد، حدود نیمی از پاسخ‌گویان (۴۲٪)، هدف خود از شرکت در انقلاب را ارزشی دانسته و آن را حفظ ارزش‌های اسلامی، پیاده‌شدن احکام الهی و رضایت خداوند ذکر کرده‌اند. البته، ۱۱٪ هم هدف خود را پیروی از امام خمینی + ذکر کرده‌اند و از آنجا که مهم‌ترین هدف امام نیز، حفظ ارزش‌های دینی بوده است، می‌توان گفت که هدف ۵۳٪ پاسخ‌گویان، حفظ ارزش‌های اسلامی بوده است. از آنجا که برخی از پاسخ‌گویان، بیشتر از یک هدف را برای شرکت خود در فعالیتهای انقلابی سال ۱۳۵۷ ذکر کرده‌اند، فراوانی به‌دست آمده بیشتر از تعداد جمعیت است.

به‌رحال، این نتیجه علاوه بر تأیید فرضیه اول تحقیق که انگیزه بیشتر مشارکت‌کنندگان

در انقلاب را حفظ ارزش‌های دینی می‌دانست، نظراتی که هدف انقلاب اسلامی را احیای ارزش‌ها یا حفظ ارزش‌های اسلامی دانسته‌اند از جمله نظرات حامد الگار، هنری لطیف‌پور و منوچهر محمدی را هم تأیید کرده است.

از بین پاسخ‌گویان، عده کمی هم در فعالیت‌های انقلابی شرکت نداشتند که علت عدم شرکت آنها در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: درصد و فراوانی علت عدم شرکت در فعالیت‌های انقلابی

ردیف	هدف از مشارکت	فراوانی	درصد
۱	عدم علاقه به چنین فعالیت‌هایی	۱۱	۲۱
۲	به فکر مشکلات خانوادگی خود بودم	۱۰	۱۸
۳	در روستا بودن و دوری از مسایل اجتماعی	۱۱	۲۱
۴	نگرانی از آسیب‌دیدن در فعالیت‌های اجتماعی	۱۳	۲۶
۵	نداشتن اطلاعات صحیح و کافی	۵	۱۰
۶	قبول داشتن رژیم گذشته	۲	۴
۷	جمع کل	۵۲	۱۰۰

بیشتر کسانی که در فعالیت‌های انقلابی شرکت نداشتند، نگران جان خود بوده و ریسک‌پذیری لازم برای فعالیت در اموری که آینده آن خیلی مشخص نیست را نداشته‌اند. بعد از این علت، عدم علاقه به فعالیت‌های سیاسی و دوری از مسایل اجتماعی جامعه، دلیل دیگری برای پاسخ‌گویان بوده که ۲۱٪ آنها را از شرکت در فعالیت‌های انقلابی بازداشته است. عده‌ای هم درگیر مسایل و مشکلات شخصی و خانوادگی بوده و فرصت شرکت در این گونه فعالیت‌ها را نداشته‌اند.

درصد بسیار کمی از پاسخ‌گویان (در این تحقیق ۴٪)، علت عدم شرکت خود در فعالیت‌های انقلابی را علاقه به رژیم گذشته اعلام کرده‌اند. البته، این اطلاعات قابل تعمیم نیست؛ زیرا نمونه‌گیری به صورت تصادفی صورت نگرفته است و از طرفی در این گونه تحقیقات، به دلیل آن که بعد از پیروزی انقلاب صورت می‌گیرد، شاید به مصلحت افراد نباشد نظرات واقعی خود را اعلام کنند، ولی به هر حال، در این تحقیق که به صورت سهمیه‌ای صورت گرفته و پرسش‌نامه توسط دوستان و اقوام پاسخ‌گویان پر شده است و هیچ‌گونه نام و

نشانی ندارد، تلاش زیادی برای کسب اطلاعات واقعی افراد صورت گرفته است. در سؤالی از پاسخ‌گویان پرسیده شد به نظر آنها در حال حاضر که حدود ۳۰ سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد، انقلاب اسلامی چقدر به اهداف خود رسیده است؟ ۳۱٪ پاسخ‌گویان معتقد بودند انقلاب به میزان زیادی به اهداف خود رسیده است، ۳۲/۴٪ میزان موفقیت انقلاب را در رسیدن به اهدافش در حد متوسط دانسته و ۳۵٪ هم این میزان را کم دانسته‌اند. در کل، می‌توان گفت اگرچه میزان موفقیت انقلاب در دستیابی به اهدافش در سه بعد زیاد، متوسط و کم تقریباً یکسان است، ولی به‌هرحال بیشترین درصد، متعلق به کسانی است که معتقدند انقلاب به میزان کمی به اهدافش رسیده است و این امر برای انقلابی که حدود ۳۰ سال از عمرش می‌گذرد، مطلوب نیست.

در سؤال دیگری از پاسخ‌گویان خواسته شد که نظرات خود را در خصوص دستیابی انقلاب به اهدافش به تفکیک بیان کنند که نتیجه آن در جدول شماره ۴ آمده است.

#### جدول ۴: درصد و فراوانی میزان موفقیت انقلاب

در دستیابی به هر یک از اهداف خود

ردیف	اهداف	فراوانی	درصد
۱	سیاسی	۱۹۰	۳۸
۲	اقتصادی	۹	۱/۸
۳	اجتماعی	۵۸	۱۱/۶
۴	فرهنگی	۱۰۴	۲۰/۸
۵	همه اهداف	۱۰۶	۲۱/۲
۶	هیچ کدام	۱۲۹	۲۵/۸
۷	جمع کل	۵۹۵	۱۰۰

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ۲۶٪ پاسخ‌گویان معتقد بوده‌اند که انقلاب به هیچ‌کدام از اهداف خود نرسیده است. (در سؤال قبل، ۳۵٪ معتقد بودند که انقلاب به میزان کمی به اهداف خود دست یافته است) و ۲۱/۲٪ هم معتقدند که انقلاب به تمامی اهداف خود رسیده است. از بین پاسخ‌گویانی که معتقدند انقلاب به برخی از اهداف خود دست یافته است، بیشترین درصد (۳۸٪) متعلق به کسانی است که معتقدند انقلاب به اهداف سیاسی خود

رسیده است و ۲۱٪ معتقدند که به اهداف فرهنگی و ۱۱/۶٪ گفته‌اند به اهداف اجتماعی خود دست یافته است و حدود ۲٪ هم گفته‌اند اهداف اقتصادی انقلاب تحقق یافته است. در تفسیر این جدول، چند نکته قابل ذکر است: اول، کسانی که به این سؤال پاسخ داده‌اند، بیشتر از فراوانی کل است که دلیل آن، پاسخ افراد به چند گزینه است و برخی بیش از یک هدف انقلاب را تحقق یافته دانسته‌اند.

دوم، در مطالعات صورت گرفته در خصوص هدف انقلاب از دیدگاه امام خمینی + (شایگان: همان) و محتوای شعارها (Panahi, Ibid)، هدف فرهنگی رتبه اول و سپس هدف سیاسی قرار داشته و درصد کمی، هدف انقلاب را اقتصادی دانسته‌اند، در حالی که از نظر مردم، اهداف سیاسی انقلاب بیشتر از سایر اهداف تحقق یافته است. سوم، نتایج به دست آمده تأییدکننده برخی از نظرات در خصوص انقلاب است؛ از جمله نظر بریتون که معتقد است هدف سیاسی انقلاب که تغییر نوع و شکل حکومت و تغییر روابط بین‌المللی است، بیشتر از سایر اهداف تحقق می‌یابد. (بریتون: همان)

البته، بریتون معتقد است که هدف فرهنگی انقلاب، کمتر از تمام اهداف تحقق می‌یابد، ولی نتیجه تحقیق حاضر این فرض بریتون را رد کرد؛ زیرا بعد از هدف سیاسی، اهداف فرهنگی از نظر پاسخ‌گویان بیشتر از سایر اهداف تحقق یافته است.

در کل، فرضیه دوم تحقیق که مدعی است تحقق اهداف سیاسی بیشتر از تحقق سایر اهداف از نظر پاسخ‌گویان است، در این تحقیق تأیید شد و ۳۸٪ گفته‌اند هدف سیاسی انقلاب بیشتر از سایر اهداف تحقق یافته است.

فرضیه سوم تحقیق به رابطه میزان مشارکت در انقلاب و نظر آنها در مورد تحقق اهداف می‌پردازد و مدعی است کسانی که مشارکت بیشتری در فعالیت‌های انقلابی داشته‌اند، احتمالاً نظر مثبت‌تری نسبت به میزان تحقق اهداف انقلاب در کل دارند. جدول شماره ۵ این رابطه را نشان می‌دهد.

جدول ۵: درصد رابطه میزان مشارکت پاسخ‌گویان

## در انقلاب و میزان تحقق اهداف انقلاب در کل

ردیف	تحقق اهداف		کم
	مشارکت	زیاد	
۱	زیاد	۱۳/۲	۴۰/۲
۲	متوسط	۳/۲	۳۱/۹
۳	کم	۵۲/۶	۲۷/۹

Gamma=۰/۳۱۸

Sig= ۰/۰۰۰

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که این رابطه با همبستگی ۰/۳۲ و سطح اطمینان بالا تأیید می‌شود. در فرضیه دیگر، رابطه میزان مذهبی بودن فعلی پاسخ‌گویان از نظر خودشان و میزان تحقق اهداف انقلاب در حال حاضر بررسی شد که نتیجه در جدول شماره ۶ آمده است.

## جدول ۶: درصد رابطه میزان مذهبی بودن و نظر آنها

## در خصوص میزان تحقق انقلاب

ردیف	تحقق اهداف		کم	جمع
	مذهبی بودن	زیاد		
۱	زیاد	۴۳/۷	۳۰/۷	۲۱۵
۲	متوسط	۲۲/۹	۳۷/۹	۲۴۰
۳	کم	۱۱/۴	۱۴/۳	۳۵
	جمع	۳۵/۷	۳۳/۱	۴۹۰

Gamma=۰/۴۰۶

Sig= ۰/۰۰۰

چنانچه جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، رابطه مذهبی بودن و میزان تحقق اهداف انقلاب، قوی و با اطمینان زیاد، مورد تأیید پاسخ‌گویان است. از آنجا که این انقلاب، اسلامی است، افراد مذهبی نگرش مثبت‌تری نسبت به آن داشته و اهداف انقلاب را هم تحقق یافته‌تر می‌دانند، به صورتی که حدود ۴۴٪ کسانی که خود را زیاد مذهبی می‌دانند، اهداف انقلاب را هم تحقق یافته‌تر می‌بینند، در مقابل ۷۴/۳٪ کسانی که خود را کم‌تر مذهبی دانسته‌اند، تحقق اهداف انقلاب را هم کم ارزیابی کرده‌اند.

در سؤال دیگری از پاسخ‌گویان پرسیده شد که به چه میزان از این که انقلاب اسلامی

رخ‌داده رضایت دارند، جواب این سؤال در جدول شماره ۷ آمده است.

جدول ۷: درصد و فراوانی میزان رضایت پاسخ‌گویان

از وقوع انقلاب اسلامی

ردیف	میزان رضایت	فراوانی	درصد
۱	زیاد	۳۰۶	۶۲
۲	متوسط	۹۹	۲۰
۳	کم	۸۸	۱۸
۴	جمع کل	۴۹۳	۱۰۰

۶۱٪ پاسخ‌گویان از این که در ایران، انقلاب اسلامی رخ‌داده، به میزان زیاد و بسیار زیاد راضی هستند، ۲۰٪ در حد متوسط و میزان ۱۸٪، رضایت کمی از وقوع انقلاب دارند. در مقایسه با میزان افرادی که در انقلاب شرکت داشته‌اند (جدول ۱)، تعداد کسانی که به میزان زیادی رضایت دارند، بیشتر شده است (میزان مشارکت زیاد در فعالیت‌های انقلابی ۵۱٪ بود) و این نشان می‌دهد که احتمالاً تعدادی از کسانی که در آن زمان مشارکت زیاد هم نداشته‌اند، از این که انقلاب رخ‌داده است، رضایت زیادی دارند؛ ولی تفاوت خیلی زیادی بین کسانی که مشارکت کم داشته‌اند و کسانی که رضایت کمی داشته‌اند وجود ندارد (۱۶٪ مشارکت کم، ۱۸٪ رضایت کم). اگرچه نمی‌توان گفت کسانی که رضایت کمی از وقوع انقلاب دارند، همان افرادی بوده‌اند که مشارکت کمی داشته‌اند، ولی در یک مقایسه کلی، تعداد ناراضیان تقریباً برابر، ولی تعداد راضیان از وقوع انقلاب بیشتر از مشارکت‌کنندگان شده است. رابطه بین میزان مشارکت در انقلاب و رضایت از این که انقلاب صورت گرفته هم سنجیده شد که نتایج آن در جدول شماره ۸ ارائه شده است.

جدول ۸: درصد و فراوانی رابطه میزان مشارکت پاسخ‌گویان

در انقلاب و رضایت آنان از وقوع انقلاب

ردیف	رضایت از وقوع انقلاب		مشارکت
	زیاد	متوسط	
۱	۷۵	۱۳	زیاد
۲	۵۳/۴	۲۵/۸	متوسط

۳۶/۸	۲۶/۶	۳۵/۵	کم	۳
------	------	------	----	---

Gamma=۰/۴۲۷      Sig= ۰/۰۰۰

چنانچه ضریب همبستگی نشان می‌دهد، رابطه فوق با احتمال ۹۹٪ اطمینان، تأییدکننده رابطه بین میزان مشارکت در انقلاب و رضایت در حال حاضر از وقوع انقلاب است. ۷۵٪ کسانی که مشارکت زیادی در انقلاب داشته‌اند، از وقوع انقلاب به میزان زیادی راضی هستند و فقط ۱۱ درصد آنها در حال حاضر از وقوع انقلاب رضایت کمی دارند. در عوض، ۳۷٪ کسانی که مشارکت کمی در انقلاب داشته‌اند، رضایتشان از وقوع انقلاب کم است، ولی ۳۵/۵٪ آنها اگرچه مشارکت کمی داشته‌اند، اما در حال حاضر از وقوع انقلاب رضایت زیاد و ۲۷٪ رضایت در حد متوسط دارند.

در فرضیه آخر، رابطه میزان مذهبی بودن فعلی پاسخ‌گویان از نظر خودشان و رضایت آنها از وقوع انقلاب در حال حاضر بررسی شد. جدول شماره ۹ این رابطه را نشان می‌دهد.

جدول ۹: درصد و فروانی رابطه میزان مذهبی بودن

پاسخ‌گویان با رضایت آنان از وقوع انقلاب

ردیف	مذهبی بودن	رضایت	زیاد	متوسط	کم	جمع
۱	زیاد	۷۶/۹	۱۴/۸	۸/۳	۲۱۶	
۲	متوسط	۵۵/۶	۲۵/۳	۱۹/۱	۲۴۱	
۳	کم	۱۴/۳	۱۷/۱	۶۸/۶	۳۵	
۴	جمع	۶۲	۲۰/۱	۱۷/۶	۴۹۲	

Gamma=۰/۵۴۵      Sig= ۰/۰۰۰

جدول شماره ۹ نشانگر رابطه قوی (۵۴٪) و با درصد اطمینان بالا، بین میزان مذهبی بودن پاسخ‌گویان با رضایت آنان از وقوع انقلاب است. ۷۷٪ کسانی که خود را به میزان زیاد مذهبی می‌دانسته‌اند، از این که انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته است، به میزان زیادی رضایت دارند و در طرف مقابل، ۶۹٪ کسانی که خود را کمتر مذهبی می‌دانسته‌اند، از



وقوع انقلاب راضی نیستند و این نشانگر اسلامی بودن انقلاب است؛ زیرا افراد مذهبی هنوز هم از طرفداران انقلاب هستند.

### نتیجه

در جمع‌بندی نهایی، ۵۱٪ پاسخ‌گویان در فعالیت‌های انقلابی سال‌های ۵۶ و ۵۷ مشارکت فعال داشتند و ۳۳٪ هم تا حدودی مشارکت داشتند. انگیزه بیشتر مشارکت‌کنندگان، حفظ ارزش‌های اسلامی بود که نشانگر اهداف اسلامی مشارکت‌کنندگان و نیز تأییدکننده تئوری‌هایی است که از بعد فرهنگی و ارزشی به انقلاب می‌نگرند مانند تئوری اسملسر (نهضت ارزشی)، جانسون (تغییر ارزش‌ها)، ایزنشتات (تنش بین نظم این جهانی و ماورایی)، گر (تهدید مهم‌ترین و بنیادی‌ترین ارزش‌های انسان‌ها)، حامد الگار (دینی بودن انقلاب ایران)، نیکی کدی (احیای اسلام)، ژان فوران (اسلام ستیزه‌گر امام خمینی)، محمدی (احیای ارزش‌های مذهبی جامعه)، دوانی (بی‌توجهی رژیم پهلوی به شعائر دینی) و امیر ارجمند (ارزشی بودن انقلاب). از طرفی، برخی تئوری‌ها و نظریات که انقلاب را از بعد اقتصادی نگاه می‌کنند مانند (مارکس، دیویس، پارسا، آبراهامیان و رابرت لویی)، در این تحقیق تأیید نشدند. ارزیابی انقلاب‌ها و دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده آنها، بحثی است که در برخی تئوری‌های انقلاب مطرح می‌شود. در این نظریات، محافظه‌کاران یا مخالفان انقلاب، نظر خوبی نسبت به پیاده‌شدن اهداف انقلاب ندارند و نتیجه آن را منفی ارزیابی می‌کنند و طرفداران انقلاب، اهداف آن را تحقق‌یافته می‌بینند، ولی واقعیت این است که بعد از پیروزی انقلاب به دلیل مواجه شدن انقلابیون با ساختارهای بیمار به‌ارث رسیده از رژیم پیشین و واقعیت‌های غیرقابل انکار اجتماعی، هیچ انقلابی نمی‌تواند به تمام اهدافی که برای خود ترسیم کرده برسد.

نتیجه این تحقیق هم نشان داد که تنها ۳۱٪ پاسخ‌گویان معتقد بودند انقلاب به میزان زیادی به اهداف خود دست یافته‌است. از طرفی، نظریات علمی بیانگر این است که اهداف

سیاسی بیش از سایر اهداف تحقق می‌یابد، ولی اهداف دیگر از جمله اهداف اجتماعی، اقتصادی و خصوصاً فرهنگی کمتر محقق می‌شوند. نتایج این تحقیق نشان داد اگرچه اهداف سیاسی از نظر پاسخ‌گویان بیشتر تحقق یافته، ولی از نظر آنان اهداف فرهنگی هم به میزان زیادی محقق شده است. البته، با توجه به اسلامی بودن انقلاب و تأکید بنیان‌گذار انقلاب بر اهداف فرهنگی و اسلامی، چنین نتیجه‌ای دور از انتظار نیست.

طرفداران انقلاب و کسانی که میزان مشارکت بیشتری در انقلاب داشتند و نیز کسانی که خود را مذهبی‌تر می‌دانستند، بیشتر از سایرین، اهداف انقلاب را تحقق یافته می‌بینند و نگرش مثبتی نسبت به انقلاب دارند که این نتیجه نیز تأییدکننده نظرات مطرح شده است.

از پاسخ‌گویان، در مورد میزان رضایت از وقوع انقلاب (با توجه به این که ۳۰ سال از عمر انقلاب می‌گذرد) سؤال شد که ۶۱٪ به میزان زیادی از این امر راضی بودند و کسانی که به نحوی دخالت و مشارکت بیشتری در فعالیت‌های انقلابی داشتند و نیز کسانی که خود را مذهبی‌تر می‌دانستند، میزان رضایتشان از وقوع انقلاب بیشتر بود که این نتایج، تأییدکننده نظرات و تئوری‌های مربوط و نشانگر اسلامی بودن انقلاب است.



## منابع

### فارسی

۱. آرنت، هانا، *انقلاب*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۷.
۲. اسپوزیتو، جان. ال، «انقلاب ایران، چشم‌اندازی ده ساله»، ترجمه نورالله قیصری، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد، *فصلنامه پژوهش*، سال سوم و چهارم، شماره ۱۲ و ۱۳، ۱۳۷۸.
۳. برینتون، کرین، *کالبد شکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، سیمرخ، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
۴. بشیریه، حسین، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۵. بیرو، آلن، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۶.
۶. پارسا، میثاق، «توسعه اقتصادی و دگرگونی سیاسی»، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران، *نامه پژوهش*، شماره ۱۰ و ۱۱، ۱۳۷۷.
۷. پناهی، محمدحسین، «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران بر اساس شعارهای انقلاب»، تهران، دانشگاه علامه، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۷۹.
۸. جرجانی، دیوید، «انقلاب در شبه پیرامون: نمونه ایران»، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران، *پژوهشنامه متین*، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۷.
۹. دوانی، علی، *نهضت روحانیون ایران*، جلد ۱۰، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا، ۱۳۶۱.
۱۰. روزن، باری، *انقلاب ایران: ایدئولوژی و نمادپردازی*، ترجمه سیاوش مریدی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۷۹.
۱۱. ساروخانی، باقر، *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان، ۱۳۷۰.
۱۲. شایگان، فریبا، «بررسی اهداف، ایده‌آل‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی +»، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، ۱۳۸۱.
۱۳. طالبان، محمدرضا، «تعهد مذهبی و تعلق سیاسی»، تهران، *فصلنامه نامه پژوهش*، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱، ۱۳۸۰.

۱۴. کوهن، آلوین استانفورد، *تئوری‌های انقلاب*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، قدس، ۱۳۶۹.
۱۵. کوهن، بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه توسلی و فاضلی، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
۱۶. گر، تد رابرت، «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟» ترجمه علی مرشدزاده، تهران، *مطالعات راهبردی*، ۱۳۷۷.
۱۷. محمدی، منوچهر، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۸.
۱۸. معیدفر، سعید و قربانعلی ذهنانی، «بررسی میزان نارضایتی شغلی معلمان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، تهران، *مجله جامعه‌شناسی*، دوره ۶، شماره ۱، ۱۳۸۴.
۱۹. ملکوتیان، مصطفی، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، تهران، قدس، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
۲۰. میرسپاسی آشتیانی، علی، «بحران سیاست غیردینی و ظهور اسلام سیاسی در ایران»، ترجمه خالقی، تهران، *فصلنامه نامه پژوهش*، شماره ۱۰ و ۱۱، ۱۳۷۷.
۲۱. هادیان، ناصر، «نظریه تدا اسکاچپول و انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۹، ۱۳۷۵.
۲۲. هنری لطیف پور، یدالله، *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.

#### انگلیسی

۲۳. Abrahamian, Ervand, *Stratual Causes of the Iranian Revolution*, **Merip Reports**, No. ۸۷, ۱۹۸۰.
۲۴. Arjomand, Said A, *Irans Islamic Revolution in comparative Perspective*, **Word politics**, No ۳۸, ۱۹۸۶.
۲۵. Goldstone, Jack A, *Theories of Revolution: The Trird Generation, In Revolution: Critical Cancepts in Political scince*, Ed. By Okane, vol ۱, London & Newyork, Routledge, ۲۰۰۰.
۲۶. Halliday, Fred, *The Iranian Revoliution: uneven Development and Religious populism*, **Journal of Ztrenational fiffairs**, Vol ۲۹. ۱۹۸۲.
۲۷. Panahi, M.H, *An Introduction to the Islamic Revolution of Iran and It's*

انگیزه و رضایتمندی مشارکت‌کنندگان در انقلاب اسلامی □ ۱۵۹

*Slogans*, London, al-Hoda, ۲۰۰۱.

۲۸. Skopol, teda. Rentier State Sh'a Islam in the Iranian Revolution, *Teory and Society*, Vol ۱۱۱, ۱۹۸۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی